

خط زرد

هشدار های پیشگیرانه هنگام خرید گوشی همراه

- از خرید و فروش هر گونه گوشی بدون کارتن خودداری کنید.
- در زمان خرید گوشی ، شماره سریال گوشی را با کارتن مربوط مطابقت دهید.
- روی گوشی و سیم کارت خود رمز گذاری کنید تا در محیط های جمعی و عمومی مورد سوء استفاده قرار نگیرد.
- از قرار دادن فایل های خانوادگی و شخصی روی گوشی خود خودداری کنید تا در زمان مفقودی یا سرقت مورد سوء استفاده قرار نگیرد.
- از روشن گذاشتن بلوتوث گوشی خود در اماکن عمومی خودداری کنید.
- از قرار دادن گوشی خود در اختیار افراد ناشناس برای تماس و... خودداری کنید.
- در زمانی که گوشی نیاز به تعمیر دارد حافظه داخلی آن را پاک و به تعمیر گاه های دارای پروانه و معتبر مراجعه کنید.

سر هنگ بوستانی

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از میان خبرها

تکذیب خبر اسید پاشی در کرمان

توکلی – معاون اجتماعی پلیس استان کرمان خبر منتشر شده در فضای مجازی در باره وقوع چند مورد اسید پاشی در برخی نقاط شهر کرمان را تکذیب کرد. به گزارش خبرنگار ما ، ”کوروش احمدیوسفی“ در این باره گفت: به تازگی خبری تحت عنوان اسید پاشی در برخی نقاط شهر کرمان بین کاربران فضای مجازی در حال انتشار و باز نشر است که با بررسی موضوع از سوی پلیس مشخص شد این موضوع صحت ندارد. وی با اشاره به رصد مستمر شبکه های اجتماعی توسط کارشناسان پلیس فتا افزود: انتشار این گونه اخبار غیرواقعی، چیزی جز تشویش افکار عمومی به دنبال ندارد و تلاش پلیس برای شناسایی و دستگیری عوامل انتشار این خبر کذب ادامه دارد.

۵ کشته در سانحه مرگبار رانندگی در نهمندان

رئیس پلیس راه استان خراسان جنوبی از وقوع سانحه مرگبار رانندگی در محور نهمندان – سربیشه خبر داد. به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه خبری پلیس، سرهنگ علیرضا رضایی در تشریح این خبر اظهار کرد: عصر روز سه شنبه با اعلام م ک فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع سانحه رانندگی در کیلومتر ۸۱ محور نهمندان – سربیشه، بلافاصله ماموران پلیس راه به همراه گروه امداد به محل سانحه اعزام شدند.

وی افزود: مأموران با بررسی صحنه دریافتند تصادف زنجیره ای یک سواری پراید و پژو و یک دستگاه تریلر به وقوع پیوست که براساس آخرین آمار دریاقتی پنج نفر در این تصادف کشته و چهار نفر نیز مصدوم شدند. سرهنگ رضایی خاطر نشان کرد: علت حادثه توسط کارشناسان در دست بررسی است و اطلاعات تکمیلی متعاقبا اطلاع رسانی خواهد شد. به گزارش ایسنا، به گفته عوامل اورژانس نهمندان یک خاتم باردار و یک آقا از مصدومان این حادثه با اورژانس هوایی به بیرجند و بقیه مصدومان به بیمارستان نهمندان منتقل شده اند.

۶۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه مسموم شدند

معید مهدیان دبیر شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت از مسمومیت غذایی ۶۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه خبر داد و گفت: این اتفاق یک بار دیگر در تیر ماه امسال افتاده بود. پس از مراجعه جمعی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت به در مانگاه مشخص شد که دچار مسمومیت غذایی شدند. به گزارش ر کنا، دبیر شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت از مسمومیت غذایی تعدادی از دانشجویان این دانشگاه خبر داد. معید مهدیان افزود: حدود ۶۰ نفر از دانشجویان علم و صنعت با علایم تب بالا و دل درد به در مانگاه مراجعه کرده اند. وی افزود: در در مانگاه مشخص شد این دانشجویان دچار مسمومیت غذایی شده اند. مهدیان با اشاره به این که این اتفاق یک بار دیگر در تیر ماه امسال برای دانشجویان رخ داده بود، گفت: بار قبل هفت، هشت دانشجو مسموم شدند. وی ادامه داد: در خصوص تغییر پیمانکار سلف سرویس، تذکر داده بودیم ولی اقدامی صورت نگرفت. دبیر شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت اضافه کرد: امروز (دیروز) در نامه ای به رئیس دانشگاه ر سمارد خواست خود را مبنی بر تغییر پیمانکار ارائه خواهیم داد و در صورتی که موافقت نشود تجمع خواهیم کرد.

رئیس پلیس خراسان رضوی با اشاره به دستگیری قاتل مسلح در مشهد تشریح کرد:

ماجرای جنایت مسلحانه نقابدار اجاره ای!

قتل عمد(مشهد) همراه بود، کارآگاهان را در گیر ماجرای فامیلی کرد که از حدود دو سال قبل آتش زیر خاکستر شده بود!

سردار تقوی تصریح کرد: نتیجه بررسی ها و تحقیقات غیر محسوس کارآگاهان، نشان می داد که با دخالت بزرگ ترها و همچنین عذر خواهی مقتول (وحید) در باره سوء تفاهم مذکور، این ماجرای فامیلی پایان یافته است اما در این میان جوان ۲۶ ساله ای به نام «ح» موضوع را فراموش نکرده و کینه ای از وحید (مقتول) را به دل گرفته است به همین دلیل، عملیات اطلاعاتی به سوی «ح» کشیده شد و او زیر ذره بین کارآگاهان قرار گرفت تا این که مشخص شد در شب وقوع جنایت، «ح» در جست وجوی «وحید» بوده و در ساعت وقوع ترند اندازی نیز در منزل حضور نداشته است.

مقام را شد انتظامی خراسان رضوی با تاکید بر این که فعالیت ها و رصدهای اطلاعاتی کارآگاهان به طور شبانه روزی ادامه یافت، افزود: در نهایت با صدور دستورات محرمانه ای از سوی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، کارآگاهان در یک عملیات هماهنگ و غافلگیرانه «ح» را دستگیر و به مقر انتظامی هدایت کردند. وی گفت: این متهم که ابتداسعی داشت خود را بی خبر از ماجرای قتل نشان دهد در بازجویی هادعی شد: من آن ماجرای ارتباط پیاپی را که مربوط به یکی از بستگان بود فراموش کردم اما دیگر با برخی از بستگان نزدیکم روابط سردی داشتم!

سرتیپ محمد کاظم تقوی خاطر نشان کرد: وقتی متهم مذکور خود را در برابر انبوهی از دلایل ومدارک مستند و انکارناپذیری دید که در طول یک ماه تحقیقات غیر محسوس جمع آوری شده بود، دیگر چاره ای جز بیان حقیقت نیافت و به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: با آن که همه فامیل او فرد اخیل در ماجرای دوسال قبل، آن حادثه را فراموش کرده بودند اما من باز هم احساس می کردم این موضوع به پایان نرسیده است و این ارتباط عاطفی پیامکی ادامه دارد به همین دلیل تصمیم گرفتم تا زهر چشمی از «وحید» بگیرم. نقشه ام را بایکی دیگر از بستگان نزدیک همسرم در میان گذاشتم چرا که او فردی سابقه دار و نترس را می شناخت که می توانست با «تیزی» و «وحید» را بترساند! به همین دلیل عازم تربت جام شدیم و با «صادق – س» (قاتل اجاره ای) به گفت و گو نشستیم. قرار شد صادق با «تیزی» (چاقو) چهره وحید را از ریخت بیندازد! چرا که وحید سوابق کیفری متعددی داشت و دست به «تیزی» بود! ولی او با «الف» (برادرزن «ح») آشنایی کامل داشت و من او را دورادور می شناختم! خلاصه صادق به مشهد آمد و ما به همراه او به در منزل وحید در شهر ک شیرین رفتیم تا محیط را به او نشان بدهیم!

بعد از آن صادق «تیزی» را به همراه یک سلاح شکاری پر داشت وقتی به او اعتراض کردم که ما فقط می خواهیم خطی روی صورتش بیندازی، گفت: اگر مردم تجمع کردند یا گشت انتظامی

رسید با شلیک تیر هوایی می توانم فرار کنم! ولی او باز هم با شلیک گلوله از سلاح شکاری وحید را کشته بود! میدان دار عرصه امنیت خراسان رضوی در ادامه این ماجرا اضافه کرد: در پی اعتراضات این متهم، بلافاصله قاضی احمدی نژاد دستور دستگیری صادق و دیگر افراد مرتبط با این پرونده را صادر کرد و کارآگاهان به عملیات تخصصی خود ادامه دادند تا این که «الف» (برادر زن «ح») و صادق نیز زیر چتر اطلاعاتی قرار گرفتند و روز گذشته در یک عملیات هماهنگ به دام افتادند.

سردار محمد کاظم تقوی با اشاره به این که تحقیقات در پرونده های جنایی از حساسیت زیادی برخوردار است و باید همه جوانب ماجرا مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرد: با انتقال متهمان به اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی، بازجویی های فنی از آنان آغاز شد تا این که چند ساعت بعد «صادق» در اعتراضاتی تلخ گفت: قرار بود من فقط وحید را با «تیزی» (چاقو) زخمی کنم اما وقتی به محل رسیدیم و او در حیاط را باز کرد، ناگهان از پله ها به سوی اتاق گریخت و من نتوانستم ضر به ای به او بزنم! در همین حال با خودم فکر کردم آن ها (ح و الف) این همه از من تعریف و تمجید کرده اند و برای افت دارد که دست خالی بازگردم این بود که اسلحه شکاری همراهم را به سوی او نشانه رفتن تا به پایش شلیک کنم اما او برای بستن چفتی در منزل روی انوهایش نشست که گلوله به سینه اش خورد او سپس با موتور سیکلت فرار کردم! با وجود این پولی از «الف» نگرفتیم. رئیس پلیس خراسان رضوی یادآور شد: در عین حال،

سابقه خبر

به گزارش خراسان، شب شانزدهم شهریور در حالی که عقربه های ساعت به ۲۲ نزدیک می شد، دو جوان موتور سوار به خیابان پانید۲ در شهر ک شیرین مشهور سیدند و مقابل ساختمان ویلایی دوبلکه توقف کردند و محکم در منزل را کوبیدند چرا که ایفون این ساختمان خراب بود!

لحظاتی بعد مرد ۲۴ ساله پله های ساختمان شمالی را طی کرد تا از طبقه دوم به پایین رسید و در منزل را گشود. او با دیدن مردان نقابدار خشمگین که اسلحه به دست داشتند، وحشت زده به طرف پله ها دوید و در حالی که فریادمی کشید بی شرف هاندمند! خطاب به همسرش گفت: «بچه ها را داخل اتاق ببر»!

همسر این مرد نیز بی درنگ و با نگرانی کودکانش را به آغوش کشید تا آن ها را به داخل اتاق ببرد اما در این هنگام مهاجمان مسلح پشت سر مرد جوان از پله ها بالا آمدند و او را که با چشمانی حیران و وحشت زده فرار می کرد به دام انداختند.

این مرد که سایه مرگ را بالای سر خود می دید با اضطرابی که سراسر وجودش را فرا گرفته بود از مسیر خود بازگشت تا در راهرو را به روی مهاجمان مسلح ببندد ولی دیگر دیر شده بود و ناگهان صدای شلیک گلوله های ساچمه ای در فضای پیچیدور قلب مرد ۲۴ ساله نشست! مردان مسلح با دیدن وضعیت وخیم «وحید» دوباره پله ها را دوبار تکیه طلی کردند و سوار بر موتور سیکلت از صحنه هولناک شلیک های مرگبار گریختند! همسر مرد ۲۴ ساله که با دیدن این وضعیت وحشت زده، دست و پایش را گم کرده بود و دیگر خون آلود همسرش را به تراس منزل کشید تا نیروهای اورژانس از راه برسند اما او دیگر جانی در بدن نداشت و با آخرین نفس هایش چشم به فرزندان کوچکش دوخته بود که فقط صدای گریه آن ها را می شنید. لحظاتی بعد مرد ۲۴ ساله به دلیل اصابت گلوله های ساچمه ای جان سپرد و ماجرای این جنایت، پرونده ای دیگر را در دستگاه قضایی گشود. دقایقی بعد با حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد در محل وقوع جنایت، تحقیقات میدانی در این باره آغاز شد و تا سپیده دمر روز بعد ادامه یافت. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که مهاجمان مسلح به محل آشنایی داشته اند و زمانی را برای ارتکاب جنایت انتخاب کرده بودند که همسایه طبقه پایین مرد ۲۴ ساله نیز در منزلش حضور نداشت و آن ها به راحتی مرتکب قتل شدند.

دستگیر و برای تکمیل تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شدند که به همکاری با فرد دیگری نیز اقرار کردند. این مقام انتظامی ادامه داد: این فرد بانام مستعار در صدد تهیه گذرنامه برای خروج از کشور بود که بعد از دستگیری متهم، افراد دیگر این باند کلاهبرداری نیز که برای معاملات خود از دسته چک افراد متوفی و کارت های بانکی افراد دیگر استفاده می کردند به دادگاه احضار شدند. وی یادآور شد: در این زمینه تاکنون سه مردویک زن دستگیر شده اند و پرونده تحت رسیدگی است. وی اضافه کرد: در این پرونده مال باختگان زیادی به ور شکستگی رسید و فعالیت عده زیادی مختل شده است و هنوز مبالغ دریافت شده از نیابت قضایی و اقدامات فنی پلیسی متهمان مردم بر گردانده نشده که البته برگشت پول از طریق دستگاه قضایی است.



ای را نداشت و بر این باور بود که دختر عموی او قصد شوخی دارد و یک اسکلت را همراه با کلاه گیس ساخته است تا او را بترساند. اما این چنین نبود! همچنین محققان علت مرگ او را کاملاً طبیعی اعلام کردند و بعد از مرگ توسط سگش خورده شده و این سگ در یکی از اتاق های خانه در حال زندگی کردن بود.

یک اختلال روانی است که می تواند در اثر زندگی پر استرس ایجاد شود و فرد مبتلا به هیچ وجه حاضر به از دست دادن این وسایل نیست. طبق داده های آماری بیشتر این افراد مسن یا طرد شده هستند یا بعد از انجام این اقدام، توسط خانواده خود طرد می شوند و این می تواند آن ها را چند برابر تحریک کند. خانم «سالی هانیچک» متأسفانه مبتلا به چنین اختلال روانی – استرسی شده بود که خانواده او سالیان طولانی از او خبر نداشتند و به همراه سگ خانگی خود زندگی می کرد. این در حالی بود که دختر عموی او به نام «کاجا» با چندین بار تماس گرفت اما هیچ پاسخی را دریافت

زن تنها در خانه طعمه سگ و موش هاشد

زن مسن که مدت های طولانی در خانه به تنهایی زندگی می کرد سرنوشتی دلخراش را تجربه کرد. به گزارش شبکه خبری تهران نیوز، یکی از مشکلاتی که ممکن است برای افراد مسن رخ دهد، بیشتر یک نوع وسواس یا اختلال رفتاری است که در آن فرد تلاش می کند تا تمام چیزهایی را که به آن علاقه دارد یک جا جمع کند! این اختلال رفتاری به نام «hoarding» است که فرد مبتلا به آن نهایت تلاش خود را به کار می گیرد تا تمام ابزار و وسایل مورد نیاز خود را که شاید اصلاً هیچ کاربردی نداشته باشد یک جا جمع کند! این مشکل از نظر برخی روان شناسان،

حوادث

اختصاصی خراسان

در امتداد روشنائی

راز شیرین!

پدرم در حالی که با بغضی در گلو اشک می ریخت قصه تلخ زندگی ما را بازگویی کرد اما من چیزی نمی فهمیدم و با بهت و حیرت به چهره غمگین و بیمار پدرم می نگریستم. باورم نمی شد می خواستم فریاد بزنم که این حرف ها دروغ است اما پدرم هیچ گاه دروغ نمی گفت چرا که... این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که با افشای راز زندگی اش به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجن مشهد گفت: سال های دور در یک خانواده پنج نفره و در جنوب کشور زندگی می کردم. پدر و مادرم فرهنگی بودند و برادرم را نیز در بیماران های روزهای آغازین جنگ تحمیلی از دست داده بودم به همین دلیل پدر و مادرم توجه خاصی به من داشتند. من تنها فرزند خانواده بودم و همه نوع امکانات رفاهی در اختیارم بود تا این که با اتمام مقطع دبیرستان وارد دانشگاه شدم و در رشته ادبیات فارسی ادامه تحصیل دادم. خلاصه در سال دوم دانشگاه تحصیل می کردم که روزی پدرم دچار ناراحتی قلبی شد، من که دست و پایم را گم کرده بودم هراسان با اورژانس تماس گرفتم و با کمک مادرم در حالی پدرم را به بیمارستان رساندم که تقریباً نفس هایش به شماره افتاده بود و با وجود این پزشکان بیمارستان او را در بخش مراقبت های ویژه بستری کردند تا این که با تلاش کادر درمانی به یهودی رسید و سید و با نظر پزشک معالج چند روز بعد از بیمارستان مرخص شد.

پدرم را به منزل بردیم تا خودمان از او پرستاری کنیم. هنوز چند ساعت بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که پدرم مرا کنار تختش صدا زد و گفت: می خواهم در از مهمی را برایت بازگو کند. دلهره تحمیلی داشتم نمی دانستم پدرم چه را می را در سینه دارد. با چشمانی متعجب کنارش نشستم و دستش را فشردم. پدرم در حالی که بغض غریبی گلایش را می فشرد و قطرات اشک به آرامی بر چهره و بینایش می غلنید نگاهی به چشمانم انداخت و گفت: هیچ وقت جرئت نکردم این راز را برایت فاش کنم چون احساس می کردم آدمای کشیدن این حرف ها را نداری! اما امروز که با این بیماری دست و پنجه نرم می کنم و هر لحظه احتمال دارد با یک حمله قلبی ناگهانی از دنیا بروم با مشورت مادر تصمیم گرفتم تا این راز را با خودم به گور نبرم و حقیقتی تلخ را برایت فاش کنم. پدرم ادامه داد: ۲۰ سال قبل زمانی که دختری سه ماهه بودی مادرت به دلیل ابتلا به یک بیماری صعب العلاج دارفانی را وداع گفت و پدرت نیز سرپرستی تو را به مادرش سپرد چرا که او در یکی از روستاهای استان فارس به تدریس مشغول بود و از سوی دیگر نیز به دلیل فوت مادرت حال و روز مناسبی نداشت. در این میان مادر بزرگت که مخالف دواج پدر و مادرت بود نقشه ای کشید تا پسرش با دختر دیگری و بدون دلبستگی به تو از دواج کند. در این شرایط من و مادر کنونی ات به دلیل از دست دادن فرزندانم دچار ناراحتی های شدید روحی بودیم و به دنبال دختر کوچکی می گشتیم تا او را به فرزند خواندگی بپذیریم بالاخره از طریق یکی از دوستانمان با زن میان سالی آشنا شدیم. آن زن که مادر بزرگ واقعی تو بود وقتی ما را در آرزوی داشتن فرزند دید، مدعی شد از نظر مالی ضعیف است و توانایی نگهداری از نوه یتیم اش را ندارد او گفت: عروسم فوت کرده و پسرم در شهری دور دست مشغول به کار است و توانایی نگهداری از فرزندش را ندارد خلاصه من با پرداخت مبلغی پول، تو را از او گرفتم و این گونه دختر ما شدم و...

باشنیدن حرف های پدرم تا چند روز در شوک بودم تا این که بیماری پدرم بهتر شد و مرا به منزل پدر واقعی ام در استان فارس برد. پدرم به فکرمی کرد که به گفته مادر بزرگم یک سالگی فوت کرده ام از دیدن من گویی روح تازه ای گرفت و از شنیدن داستان زندگی ام بی نهایت خوشحال شد. من که با خواهر و برادر ناتنی ام رویه ور شده بودم ناگهان چشمانم به پیرزن بیماری افتاد که در گوشه پذیرایی اشک می ریخت. پدرم گفت: او مادر بزرگت است و منم پدرم بر گردانده نشده که البته برگشت پول از طریق دستگاه قضایی است.

بسیار پشیمان بود دارفانی را وداع گفت. و من هم بعد از پایان تحصیلات دانشگاه، دبیر یکی از دبیرستان ها شدم و از گناه مادر بزرگم گذشت کردم. اکنون در حالی این سرگذشت را برای دانش آموزان بیان می کنم که دیگر پدر و مادرم نیز در این دنیا نیستند و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

فیش حج واجب و عمره خرید – فروش – نقدی
نیش معلم ۱۳ – پلاک ۱
۶۹ – ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۰۹۱۵